



## علی تاجرنیا، نماینده پیشین مجلس، در گفت‌وگو با «شرق» فضای انتخابات را ارزیابی کرد رفتار رادیکال دیگر جواب نمی‌دهد

## نگاه اصلاح‌طلبان به هیچ عنوان نگاه تحریم انتخابات نیست

**معصومه معظمی:** اگرچه هنوز فضا در این روزهای منتهی به انتخابات مجلس چندان انتخاباتی نیست اما این امید وجود دارد که در روزهای آینده توره انتخابات را به‌واسطه اقداماتی مثل افزایش تأیید صلاحیت‌ها گرم‌تر کرد. البته بسیاری از اشخاص و جهرهای شناخته‌شده جریان منتقد به دلایل مختلف در انتخابات ثبت‌نام نکرده‌اند و جریان اصلاحات هم به دلیل ردصلاحیت نامزدهای اصلی‌اش در انتخابات گذشته ترجیح دادند این دوره هم نامزدی در انتخابات نداشته باشند. اما برخی احزاب و گروه‌های سیاسی اصولگرا سعی دارند با ایجاد رقابت درون جناحی بسار رقابت‌های انتخاباتی را خود به دوش بکشند. البته بی‌شک امر مشارکت، پسندیده است و بحث‌های مرتبط با انتخابات در شکل‌گیری فضای انتخاباتی دخیل خواهند بود. از همین منظر و برای بررسی فضای انتخاباتی کشور و دامنه رویکردهای سیاسی به این انتخابات، با علی تاجرنیا، نماینده مجلس ششم شورای اسلامی و فعال سیاسی اصلاح‌طلب‌وگویی داشتیم. اگرچه این نماینده پیشین مجلس معتقد است این دوره سطح مشارکت پایین خواهد بود اما همواره به اصلاح رویکردها امیدوار است و معتقد است در انتخابات ریاست‌جمهوری نرمش سیاسی را شاهد خواهیم بود. او امیدوار است که مجریان و ناظران انتخابات به آسیب‌هایی که یکدستی قدرت اجرائی به کشور زده است، پی ببرند و اجازه دهند اصلاح‌طلبان جامعه‌محور و منتقد و دلسوسز در عرصه قدرت مشارکت داشته باشند. این چهره سیاسی شناخته‌شده در گفت‌وگو با «شرق» به موضوعات مختلف سیاسی و انتخاباتی اشاره کرد که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

♦ همیشه یک ماه مانده به انتخابات شاهد فضای رقابتی در کشور بودیم اما با وجود اینکه کمتر از یک ماه تا انتخابات دوازدهمین دوره مجلس باقی مانده، فضای کشور هنوز رنگ‌وبوی رقابت‌های انتخاباتی ندارد و کارشناسان زیادی می‌گویند جنب‌وجوش و رقابت لازم هنوز شکل گرفته است. به اعتقاد شما دلیل این اتفاق چیست؟

به لحاظ فضای انتخاباتی با دوگانه‌ای مواجه هستیم. یک طرف رسانه‌های داخلی و تریبون‌های رسمی هستند که اتفاقا بیشتر از دوره‌های گذشته بر موضوع انتخابات تأکید دارند. بخش دوم مربوط به فضای جامعه و همان افرادی است که باید در انتخابات شرکت کنند؛ اما چنین تحرک و جنب‌وجوشی را در آنها نمی‌بینیم. به اعتقاد من مواردی منجر به رادیکال‌شدن فضای جامعه از دو طرف نسبت به گذشته شده است، چه کسانی که نمی‌خواهند در انتخابات شرکت کنند و این موضوع را اعلام می‌کنند و چه کسانی که می‌خواهند مردم را وادار به حضور در انتخابات کنند. واقعیت این است که مردم نسبت به سال‌های گذشته و کنش‌هایی که داشتند، کوشیدند انتقادات خود را به روند حکمرانی نشان دهند. البته نگاششان نگاه تغییر ساختار و نظام نبوده است. علت آن‌هم این است که همه خیزش‌هایی که در سال‌های ۹۶ یا ۹۸ یا ۱۴۰۱ رخ داد، به‌صورت عمومی مورد پذیرش مردم قرار نگرفت. با وجود اینکه برخی تصور می‌کردند این اتفاقات منجر به تغییرات بنیادین و اصلاحات خواهد شد اما این اتفاق نیفتاد و این‌طور نبود.

بنابراین عدم حمایت مردم از جنبش‌های اجتماعی و خیزش‌های اخیر که عمدتا بر رویکردی بود که مردم رفتارهای رادیکال را دوست ندارند، بخشی از اجزای سیستم را به این فکر انداخت که مردم با این موارد همراهی خواهند کرد و آن را به نفع خود می‌دانستند. اما

از ابتدای شب انتخابات چه زمانی که اصلاح‌قانون انتخابات مطرح بود، چه زمانی که برای گفت‌وگوی بین مجریان و ناظران انتخابات مطرح شد، سخنان آنها مبنی بر این بود که قرار نیست زمینه و شرایط برای حضور حداکثری هم منتخ‌ب‌شوندگان و هم انتخاب‌کنندگان فراهم شود. این فضا باعث شد انتخابات از روح اصلی خودش فاصله بگیرد.افکار عمومی هم با این موضوع همراهی نمی‌کند. نظرسنجی‌های رسمی نشان‌دهنده مشارکت ۳۰ درصدی است که البته تا زمان انتخابات این میزان افزایش خواهد یافت اما تفاوت معنی‌داری نخواهد کرد. امروز بسیاری از احزاب و گروه‌های سیاسی منتقد جریان دولت یا همان اصلاح‌طلبان، برای ثبت‌نام در انتخابات کاندیدا معرفی نکرده‌اند. نه اینکه فقط مسئله ردصلاحیت‌ها مطرح باشد بلکه از ابتدا کاندیداهای خود را برای رقابت ثبت‌نام نکردند؛ چراکه هیچ پالس مثبتی از طرف برگزارکنندگان انتخابات برای پذیرش نامزدهای آنها دریافت نشد.

♦ ثبت‌نام نکردن یک جریان سیاسی با نامزدهای اصلی خود در انتخابات را می‌توان به قهر تعبیر کرد؟ چراکه در انتخابات قبل نامزدهای اصلی اصلاح‌طلب کنار گذاشته شدند و برخی احزاب هم تصمیم گرفتند دیگر نامزدهای خود را برای انتخابات کاندیدا نکنند. اگر نه، این تصمیم چه معنا و مفهومی می‌تواند داشته باشد؟

نه اصلا این موضوع به معنی قهر با صندوق‌های رأی نیست. شکست در انتخابات برای احزاب سیاسی اتفاقی است که به تنهایی باعث نمی‌شود آنها از صندوق‌های رأی قهر کنند. طبیعتا جنس عدم مشارکت در انتخابات از جنس قهر با صندوق‌های رأی نیست بلکه جنس آن به‌نوعی است که معتقدند انتخابات فاقد خاصیت شده است و شرایط یک انتخابات آزاد، عادلانه و مبتنی بر معیارهای قانون را ندارد.

وقتی شما سخت‌گیری‌هایی را انجام می‌دهید و پیام‌هایی را ارسال می‌کنید که یک‌سری افراد نمی‌توانند در انتخابات شرکت کنند، طبیعتا بسیاری از افراد در انتخابات ثبت‌نام نمی‌کنند. هرچند

می‌دانند؛ خصوصا اینکه در چند سال گذشته طبق حوادث اجتماعی که صورت گرفته است، به‌نوعی صنف‌بندی غیرمحسوسی هم بین جریان اصلاح‌طلب جامعه‌محور با معدود اصلاح‌طلبان قدرت‌محور هم شکل گرفته است. بنابراین مسئله فوق موضوعی است که دست احزاب اصلاح‌طلب را برای حضور در انتخابات تهی کرده است. نه اینکه نخواهند در انتخابات شرکت کنند؛ چراکه سیاست هیچ‌یک از احزاب اصلاح‌طلب سیاست تحریم انتخابات و سیاست مقابله‌کردن نیست.

برای نمونه وقتی در انتخابات گذشته اصلاح‌طلبان شخصی مثل حسن روحانی را معرفی می‌کنند که آن زمان عضو جامعه روحانیت مبارز تهران بود و حتی سوابق او سوابق نزدیک به راست سیاسی و اصولگرایان است، یعنی قصد تعامل دارند. این اتفاق هم مربوط به قبل از سال ۸۸ نیست بلکه مربوط به بعد از سال ۸۸ است. پس این تعامل وجود دارد و باید فضا را برای این تعامل فراهم کرد. وقتی نیروهای اصلاح‌طلب را برای حضور در انتخابات قلع‌وقمع می‌کنند و شرایط حضور در انتخابات عادلانه فراهم نیست و امکانی برای حضور ندارند، چه انتظاری می‌توانید داشته باشید؟

نه‌تنها در انتخابات مجلس این‌طور است بلکه در انتخابات نظام پزشکی که یک انتخابات صنفی است یا انتخابات اتاق بازرگانی این اتفاق در حال رخ‌دادن است. این انتخابات یک نماد است و وقتی فرد احساس می‌کند در اتاق بازرگانی یا در نظام پزشکی افراد منتقد که حتی خیلی هم سیاسی نیستند تحمل نمی‌شوند، طبیعی است که نمی‌توانند در انتخابات مجلس وارد شوند. البته این انتقاد متوجه مجریان و ناظرانی است که فضا را به‌گونه‌ای فراهم نکردند که این اتفاق بیفتد.

♦ اکنون شاهدیم که تأیید صلاحیت‌ها در موافقی به نحوی سلیقه‌ای شده و نمی‌توان قانون را ملاک قرار داد. این اتفاق درباره نمایندگان فعلی مجلس هم رخ داده است و نمایندگان که به دولت اتقاد داشتند تا حدی ردصلاحیت شدند. راهکار و پیشنهاد شما دراین خصوص چیست که بتوان مردم را برای حضور در انتخابات ترغیب و تشویق کرد؟

به تصور من بخشی از اصلاح‌طلبان که در این مدت و سال‌ها آن‌طور‌که باید به بازی گرفته نشده‌اند، اول باید خودشان اعتمادسازی کنند. حاکمیت و ارگان‌ها و نهاده‌ها که درحال‌حاضر قدرت را به‌طورکامل در دست دارند، برایشان مهم است کسانی که می‌خواهند وارد عرصه قدرت شوند، سعی کنند یک‌سری ساختارها را حفظ کنند اما مهم‌تر این است که ما باید بدانیم فضایی که اکنون جامعه به آن سمت می‌رود، فضای یکدست‌سازی که از چند سال پیش شکل گرفته است، ناکارآمدی خودش را درحال‌حاضر نشان داده است. این موضوع به سمتی پیش می‌رود که نوعی خودآسیب‌زنی شکل بگیرد.

حالا این وضعیت از مسائل اقتصادی شروع شده و به موضوعات فرهنگی و اجتماعی می‌انجامد و اگر به‌درستی مدیریت نشود، می‌تواند به آسیب سیاسی هم بینجامد. این مسائل مثل ساعت شنی نیست که همیشه زمان را برای ما کاملا روشن کند؛ بلکه خیلی وقت‌ها افراد و مجموعه‌هایی که به این فکر افتادند، پیام را دریافت کردند؛ اما زمان را از دست داده بودند و برای‌شان دیگر دیر شده بود. سابقه جریان و دولت اصلاحات بعد از پیروزی انقلاب نشان‌دهنده این است که کارآمدترین مجموعه بعد از پیروزی انقلاب در دولت اصلاحات شکل گرفته است. شاکله اصلی احزاب و جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب، معتقد به فعالیت درون نظام هستند. به اعتقاد من چشم‌ها را باید شست و جور بگیرد و همه جمهوری اسلامی را به یک اتفاق که در گذشته افتاده است، نباید گره زد. اگر آسیبی در این مدت به اعتماد وارد شده است که در بسیاری مواقع دوطرفه بوده و حتی از طرف حاکمیت نسبت به مردم بیشتر بوده است و نیاز به ترمیم و اعتمادسازی دوباره دارد.

مردم امروزه خواسته‌هایی دارند. خواسته آنها خواسته سبک زندگی، خواسته رفاهی، خواسته اقتصادی است. ممکن است در زمینه آنها شعارهای سیاسی هم داده شود؛ اما واقعیت این است که مردم دنبال کارآمدی هستند و این کارآمدی با وجود یک جریان سیاسی که همه ارکان قدرت را بخواهد در اختیار داشته باشد، حاصل نمی‌شود. همه ما می‌دانیم تا منتقدان نباشند و آزادانه نتوانند حرف‌شان را بیان کنند، کار به جای خوبی نخواهد رسید.

راهکار من این است که به قانون و جمهوری اسلامی برگردیم. باید طبق کلام بنیان‌گذار انقلاب به «جمهوریت» برگردیم؛ وقتی از ایشان سؤال شد که چه نوع جمهوری مدنظر است؟ ایشان تأکید کردند همان جمهوریته که در دنیا وجود دارد. این موضوع است که خواست و مطالبه مردم است. همان‌طورکه بنیان‌گذار انقلاب گفت میزان رأی مردم است و باید به این اصل انقلاب برگردیم.

اما امروز شورای نگهبان و نظارت استصوابی انتخابات را دومرحله‌ای کرده است. حتی با را فراتر از نظارت استصوابی گذاشته است و شاهد دخالت در انتخابات هستیم. قوانین موضوعه و قوانین انتخابات هرچه از گذشته به سمت آینده پیش می‌رود، بیشتر به سمت محدودشدن رأی انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان پیش می‌رویم. اگر بپذیریم که مردم مهجور نیستند و نیاز به قیم ندارند و اجازه دهید خودشان انتخاب شوند، مطمئن باشیم کسی را که در راستای منافع ملی نباشد، انتخاب نمی‌کند. کسی را که مغایر با منافع کشور باشد، انتخاب نمی‌کنند. تصور نکنیم مردم نمی‌توانند درست انتخاب کنند. اتفاقا همواره در ۴۴ سال گذشته در جای درست تاریخی ایستاده‌اند. پس ما هم باید به آنها اجازه دهیم که خودشان انتخابی درست داشته باشند.

♦ به نظارت استصوابی اشاره کردید. در قانون جدید انتخابات نمایندگان مصوب کردند که نظارت شورای نگهبان تا زمان بررسی اعتبارنامه متخنان مردم هم ادامه داشته باشد؛ یعنی بعد از اینکه مردم به گزینه مدنظر خود رأی دادند، شورای نگهبان بتواند تا زمان بررسی اعتبارنامه او را ردصلاحیت کند. نظر شما در این زمینه چیست؟

یکی از مغالطه‌هایی که انجام می‌شود، این است که می‌گویند در همه کشورهای دنیا در زمان انتخابات یک نهاد ناظر وجود دارد. دراین‌باره دو نکته مطرح است؛ اول اینکه این نهادهای ناظر نهادهای بی‌طرف هستند که از دل مردم و افکار عمومی بیرون می‌آید. دوم اینکه این نهادهای مجری و ناظر و بی‌طرف در کشورهای مختلف نقش‌شان احراز شرایط نامزدها است، نه بررسی صلاحیت آنها؛ یعنی بررسی پارامترهایی مثل سن، تابعیت و موارد این‌چنینی؛ درحالی‌که ما در انتخابات خبرگان سال ۶۸ و انتخابات مجلس چهارم شورای اسلامی شاهد نظارت استصوابی شورای نگهبان در بررسی صلاحیت افراد بودیم و هرچه پیش رفتیم، این دایره محدودتر شد. همچنین در انتخابات مجلس خبرگان رهبری در یک استان فقط به دلیل اینکه تصور می‌کنند افکار عمومی ممکن است انتخابی به جز شخص مدنظرشان داشته باشد، دیگران را تأیید صلاحیت نمی‌کنند. پیش‌ازاین، این تجربه را داشتند که در یک استان که نامزدها را

ردصلاحیت کردند، مردم به یک روحانی جوان رأی دادند و این باعث شد شخص باسابقه مدنظر نتواند وارد خبرگان رهبری شود؛ بنابراین این نگرانی وجود دارد در استانی که رئیس‌جمهور کاندیدا شده است، اگر شخصی دیگری تأیید صلاحیت شود، ممکن است مردم به او رأی بدهند؛ پس همه کاندیداهای هم‌فکر خودشان را نیز ردصلاحیت می‌کنند.

در مجلس فعلی نیز نمایندگانی که همراهی و تبعیت مدنظرشان را نداشته‌اند، به دلایل مختلف آنها را ردصلاحیت می‌کنند. این مسئله حتی فراتر از یک جناح سیاسی قرار گرفته است. اینکه چیدمان کاندیدها در یک حوزه انتخابیه به گونه‌ای باشد که یک فرد خاص انتخاب شود و فضا را بر دیگران تنگ می‌کنند، این دیگر انتخابات نیست.

درحالی‌که انتخابات یک کنش و اتفاق کاملا مشخص برای رسیدن به یک نتیجه‌امشخص است؛ یعنی از قبل مشخص نیست نتیجه انتخابات چه خواهد بود و اگر بتوان از قبل پیش‌بینی کرد که نتیجه چه خواهد بود، این دیگر انتخابات نیست.

♦ در دو انتخابات گذشته مجلس و ریاست‌جمهوری، شاهد خالص‌سازی در یک جریان سیاسی بودیم. درحال‌حاضر هم با تلاش برخی برای ادامه روند فعلی و حذف جریان اصلاح‌طلب، شاهد رقابتی درون‌جناحی بین اصولگرایان هستیم. البته نواصولگرایان با برخی بدخلاقی‌های سیاسی تلاش دارند هم‌فکران خود را نیز از عرصه رقابت حذف کنند. با توجه به بدخلاقی‌های سیاسی کنونی در این جریان سیاسی اگر قرار باشد این روند ادامه داشته باشد، پیش‌بینی شما از انتخابات پیش‌رو چیست؟

در جامعه‌ای مثل ایران نمی‌توان به‌هیچ‌عنوان یک جناح سیاسی را بر کشور حاکم کرد و اجازه نداد هیچ شخص و فرد منتقد دیگری صحتی داشته باشد و همه چیز در آramش باشد. علت اینکه فضای جامعه ایران در مقایسه با دیگر کشورها متفاوت است، همین موضوع است؛ چراکه هرگاه ما بخواهیم به سمت یکدست‌سازی پیش برویم، این خالص‌سازی به دلیل اینکه افرادی در جایگاهی قرار می‌گیرند که به صورت آزاد نمی‌توانند نقش محوری داشته باشند و به لحاظ سیاسی الزاما افراد فرهیخته و اخلاق‌مداری نیستند، به همان دلیل وقتی به سمت یکدست‌سازی پیش می‌رویم، تنش‌ها و مسائلی که مربوط به نوع درگیری‌های آنها است، حادث و شدیدتر می‌شود؛ بنابراین خالص‌سازی مرحله بعدی آنها خواهد بود؛ بنابراین امروز می‌بینیم که درون جریان اصولگرایی به‌راحتی جوانانی که تحت عنوان نواصولگرایی وارد عرصه شدند، به افرا باسابقه جریان اصولگرایی بزرگ‌ترین نهمت‌ها را می‌زنند.

این حرف نشان‌دهنده این است که طبق فرمایشات حضرت امیرالمؤمنین اگر افراد با فضیلت و با اخلاق را کنار می‌گذاریم، آدم‌هایی که از نظر اخلاقی به سطح پایینی هستند، رشد می‌کنند. وقتی آنها رشد کردند، مناسبات آنها مناسبات سطح بالایی نیست؛ پس وقتی امثال محمد خاتمی را کنار می‌گذارند، تفکر جبهه‌پایداری شکل می‌گیرد. کسانی که هر چندر درون آنها پروید، از درون شورای مرکزی خودشان هم می‌خواهند یک فرانکسیون تشکیل دهند تا افراد دیگر را حذف کنند. وقتی این موضوع در کشور رواج پیدا کرد و ارادت‌افراد و مجموعه‌هایی که به این فکر افتادند، پیام را دریافت کردند؛ اما زمان را از دست داده بودند و برای‌شان دیگر دیر شده بود. سابقه جریان و دولت اصلاحات بعد از پیروزی انقلاب نشان‌دهنده این است که کارآمدترین مجموعه بعد از پیروزی انقلاب در دولت اصلاحات شکل گرفته است. شاکله اصلی احزاب و جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب، معتقد به فعالیت درون نظام هستند. به اعتقاد من چشم‌ها را باید شست و جور بگیرد و همه جمهوری اسلامی را به یک اتفاق که در گذشته افتاده است، نباید گره زد. اگر آسیبی در این مدت به اعتماد وارد شده است که در بسیاری مواقع دوطرفه بوده و حتی از طرف حاکمیت نسبت به مردم بیشتر بوده است و نیاز به ترمیم و اعتمادسازی دوباره دارد.

مردم امروزه خواسته‌هایی دارند. خواسته آنها خواسته سبک زندگی، خواسته رفاهی، خواسته اقتصادی است. ممکن است در زمینه آنها شعارهای سیاسی هم داده شود؛ اما واقعیت این است که مردم دنبال کارآمدی هستند و این کارآمدی با وجود یک جریان سیاسی که همه ارکان قدرت را بخواهد در اختیار داشته باشد، حاصل نمی‌شود. همه ما می‌دانیم تا منتقدان نباشند و آزادانه نتوانند حرف‌شان را بیان کنند، کار به جای خوبی نخواهد رسید.

راهکار من این است که به قانون و جمهوری اسلامی برگردیم. باید طبق کلام بنیان‌گذار انقلاب به «جمهوریت» برگردیم؛ وقتی از ایشان سؤال شد که چه نوع جمهوری مدنظر است؟ ایشان تأکید کردند همان جمهوریته که در دنیا وجود دارد. این موضوع است که خواست و مطالبه مردم است. همان‌طورکه بنیان‌گذار انقلاب گفت میزان رأی مردم است و باید به این اصل انقلاب برگردیم.

اما امروز شورای نگهبان و نظارت استصوابی انتخابات را دومرحله‌ای کرده است. حتی با را فراتر از نظارت استصوابی گذاشته است و شاهد دخالت در انتخابات هستیم. قوانین موضوعه و قوانین انتخابات هرچه از گذشته به سمت آینده پیش می‌رود، بیشتر به سمت محدودشدن رأی انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان پیش می‌رویم. اگر بپذیریم که مردم مهجور نیستند و نیاز به قیم ندارند و اجازه دهید خودشان انتخاب شوند، مطمئن باشیم کسی را که در راستای منافع ملی نباشد، انتخاب نمی‌کند. کسی را که مغایر با منافع کشور باشد، انتخاب نمی‌کنند. تصور نکنیم مردم نمی‌توانند درست انتخاب کنند. اتفاقا همواره در ۴۴ سال گذشته در جای درست تاریخی ایستاده‌اند. پس ما هم باید به آنها اجازه دهیم که خودشان انتخابی درست داشته باشند.

♦ به نظارت استصوابی اشاره کردید. در قانون جدید انتخابات نمایندگان مصوب کردند که نظارت شورای نگهبان تا زمان بررسی اعتبارنامه متخنان مردم هم ادامه داشته باشد؛ یعنی بعد از اینکه مردم به گزینه مدنظر خود رأی دادند، شورای نگهبان بتواند تا زمان بررسی اعتبارنامه او را ردصلاحیت کند. نظر شما در این زمینه چیست؟

### اخبار برگزیده

علیرضاییگی:

## «خودی و ناخودی» در برخورد با افشاکاری فساد وجود دارد

**مدعیان مبارزه با فساد در ماجرای ۱۴۰ اسکه، لاقال نتیجه رسیدگی به مسئله شاسی بلندها را مطالبه کنند**

نماینده تبریز، آذر شهر و اسکو گفت: اگر مردم استباط‌شان این باشد که بناست مجلس یازدهم تکرار شود، طبیعتا اقبالی از جانب آنان برای حضور در پای صندوق‌های رأی شاهد نخواهیم بود. احمد علیرضاییگی در گفت‌وگو با ایلسا، در واکنش به برخورد متفاوت صورت‌گرفته با طرح موضوع دریافت ۱۴۰ اسکه از سوسی نمایندگان توسط رانفی‌پور و مسئله شاسی‌بلندها توسط خودش، گفت: به نظر یک خودی و ناخودی این وسط مطرح است که این خودی و ناخودی سبب برخورد دوگانه و متفاوت با موضوع می‌شود؛ درحالی‌که من از مصوبنیت پارلمانی برخوردار بودم اما همین موضوع الان برای من موجب صدور حکم یک سال حبس البته در دادگاه بدوی شده است. بعد هم یکی از علت‌هایی که صلاحیت من را مورد خدشه قرار داد، همین موضوع اعلام واگذاری غیرقانونی خودروهای شاسی‌بلند بوده است. او گفت: آن چیزی که درباره من و درخصوص موضوعی که مطرح کردم اتفاق افتاد این بود که ارتباط مستقیم با شخص رئیس مجلس داشت. یعنی آنچه که رخ داده بود به‌واسطه رئیس مجلس یا هیئت‌رئیس برای اینکه بتواند خدمتی را ارائه دهد، صورت پذیرفته است و بعد تعداد مشخصی هم که از نظر آنها واجد شرایط بودند، مدنظر قرار گرفتند و این واگذاری صورت گرفته است. این نماینده مجلس تأکید کرد: من به‌عنوان نماینده مردم به‌واسطه تکلیف قانونی که آن را در دوش من گذاشته بودند، از هیئت‌رئیس‌ه سؤال کردم بین واگذاری خودروها با استیضاح آقای قاضی‌امین در سال ۱۴۰۱ که هم‌زمان باهم اتفاق افتاده است، چه رابطه‌ای وجود دارد؟ بعد دیدید همه به اتفاق هم از دادستان کل در مقام مدعی‌العموم، سخنگوی هیئت‌رئیس‌ه و سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ و همه این افراد تمام‌قد کل وقوع موضوع را منکر شدند. من هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم که کمیسیون اصل ۹۰ که دانشتد پیرونده در مقام طرح است و مورد رسیدگی است، امد اعلام کرد آن پرونده و حتی مشابه آن پرونده در کمیسیون اصل ۹۰ مطرح نیست. علیرضاییگی عنوان کرد: فکر می‌کنم خود آقای رانفی‌پور هم اگر به واقع به‌عنوان عدالت‌طلب و دادخواه خواسته باشد ابراز وجود می‌کند تا حال واکنشی از ایشان ندیدیم؛ یعنی من منتظر بودم که نه‌تنها آقای رانفی‌پور بلکه بسیاری از افراد و تشکل‌هایی که ادعای عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد دارند، لاقال نتیجه رسیدگی به این مسئله را مطالبه کنند. کمااینکه آن اتفاق هم نیفتاد و الان هم باز من می‌شنوم و خود آقای رانفی‌پور هم توبیت زده است که گویا آن آدم را هم ایشان می‌شناسد و هم هیئت‌رئیس‌ه می‌شناسد لکن شاید چون در لیست آقای رانفی‌پور است، می‌خواهند توسط آقای رانفی‌پور گفته شود و اینها دور از چارچوب و اصول است که نشان می‌دهد مبارزه با فساد از آن اسالتی که باید برخوردار باشد و این دوشان ادعای آن را دارند، از آن اصالت برخوردار نیست.

## فاتح عملیات کربلای ۷ در گذشت

امیر سرتیپ دوم غضنفر آذرفر، فرمانده اسبق لشکر ۶۴ ارومیه و فاتح عملیات «کربلای ۷» در ۸۴ سالگی بر اثر کولت سن در اصفهان درگذشت. آذرفر در زمان آموزش‌های تکاوری در انگلستان با صدام هم‌کلاس بود. به گزارش ایسنا، امیر سرتیپ دوم «غضنفر آذرفر» یکی از فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران است که سال ۱۳۱۸ در روستای «مغانک» واقع در جنوب شهرستان «الیگودرز» در استان «برستان» متولد شد. او پس از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان، در سال ۱۳۳۶ وارد دانشکده افسری شد و در طول تحصیل به زبان‌های انگلیسی و عربی تسلط پیدا کرد. آذرفر در دوره‌های آموزش تکمیلی ارتش، دوره مقدماتی، دوره هوایرد، رنجری و همچنین دوره جنگ‌های ویژه (کلاسیزهای ایران) در شمار دانشجویان عالی‌قرار داشت و دوره‌های تکاوری، هوایرد و جنگ‌های ویژه شامل جنگ‌های نامنظم، عملیات ویژه گریز، فرار و جنگ‌های روانی، دوره‌های جنگ در کوهستان شامل رزست در کوهستان‌های بلند و برقراری، اسکی نظامی، بهمن‌شناسی و رزم در برف را با موفقیت طی کرد. او که برای طی دوره‌های تکاوری به انگلستان اعزام شده بود، با صدام هم‌کلاس بود و پس از طی دوره‌های آموزشی با نمرات بالا موفق شده بود تا انگشتر تکاوری را از دست ملکه انگلستان دریافت کند.

تیمسار آذرفر همراه با لشکر خود عملیات «کربلای ۷» را در اسفند سال ۶۵ فراهی و اقدام کرد. در این عملیات، نیروهای تحت امر آذرفر ارتفاعات ۲۵۱۹ در داخل خاک عراق را تسخیر کردند. در بیشتر صحنه‌های این عملیات می‌توان جلوه‌هایی از نبوغ نظامی و ابتکارعمل این فرمانده ارتش جمهوری اسلامی ایران را مشاهده کرد. مرحوم سرهنگ سیدمحمدعلی شریف‌النسب، رزمنده دفاع مقدس و از مبارزان ارتشی قبل از انقلاب در خاطراتی دربارهٔ تدریس در دوره عالی رولایت کرده است: استادن کلاس این کار را سرگرد آذرفر که جلاستی را با دانشجویان گذرانده بود، در حین تدریس به دلیل خستگی ناشی از کار زیاد دچار مشکل و به بیمارستان منتقل شد، به همین دلیل ادامه مأموریت او درحالی‌که هیچ آمادگی‌ای نداشتیم به من واگذارشد و باید برای فردا آماده می‌شدم. ساعتی بعد، شنیدم آذرفر اسراحت گرفته و به منزل رفته است. به ملاقات او رفتم و مشکل خود را با او درمیان گذاشتم، عمده مشکل من این بود که بیشتر دانشجویان این کلاس از من ارشدتر بودند و از تجربیات خوبی در یگان‌های رزمی و جنگ عمان و مأموریت سپاه صلح در ویتنام و بلندی‌های جولان برخوردار بودند و احساس می‌کردم در مقابل آنان دستم خالی است. سرگرد آذرفر به من گفت: «نگران نباش از دانشجویان ممتاز کلاس کمک بگیر، مشکل کم خواهد شد». فردای آن روز با درمیان گذاشتم، بر خدا وارد کلاس شدم و در میان دانشجویان چهاره چهره مصمم سرگرد حسنی‌سعدی روبه‌رو شدم. ایشان در دانشکده افسری دو سال از ما ارشدتر و در دانشکده پیاده نیز بهترین استاد خمپاره‌انداز ما بود. با نام خدا آغاز کردم و گفتم من شاگرد همه شما هستم، سخن‌گفتن در محضر اساتید بزرگوار که دارای تجربیات بسیار ارزشمندی هستند، کار دشواری است؛ بنابراین از سرور عزیزم عذر می‌خواهم. حسنی‌سعدی اس‌تدعا می‌کرد درس امروز را ارائه دهند. با اصرار من پذیرفت و کلاس به‌خوبی اداره شد و مطالبی فراتر از برنامه آن روز مورد بحث قرار گرفت. نکات اساسی آن را یادداشت کردم، دانشجویان هر دوره در چند کلاس تقسیم می‌شدند، با هریک از این کلاس‌ها چند جلسه دوساعته داشتم، جلسات بعدی بهتر از این برگزار شد و در هر کلاس یکی از نخبگان عهده‌دار این نقش می‌شد و دیگر کلید کار دستم آمده بود.